

## تحلیل جامعه‌شناختی بی‌رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

بیژن زارع<sup>۱</sup>

سید محمد محمودی<sup>۲</sup>

فرود قایدگیوی<sup>۳</sup>

علی حسن توفیقیان فر<sup>۴</sup>

### چکیده:

در این مقاله به بررسی جامعه‌شناختی بی‌رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج پرداخته شده است. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه‌های روانشناختی فرادنبرگ، پاینز، مسلش و لیتز در خصوص مفهوم بی‌رمقی و نیز تئوریهای جامعه‌شناختی مرتبط با این مفهوم استوار است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری متناسب با حجم و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات در قالب پرسشنامه، داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS در قالب جداول توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس یافته‌های تحقیق نشان داده شده که بین متغیر مستقل (احساس محرومیت نسبی) و متغیرهای زمینه‌ای (رشته تحصیلی) و بی‌رمقی معلمان رابطه وجود دارد در حالی که بین متغیرهای (پایگاه اقتصادی، اجتماعی و جنس) و بی‌رمقی معلمان رابطه وجود ندارد. متغیرهای وارده در تحلیل رگرسیون توانسته اند ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بی‌رمقی اجتماعی را تبیین کنند.

**کلیدواژه‌ها:** احساس محرومیت نسبی، بی‌رمقی اجتماعی، احساس محرومیت ادراکی

### مقدمه

در میان نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش، اولویت و اهمیت بیشتری دارد و در درون این نهاد، اولویت اول باید به معلمان تعلق بگیرد. چون کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت معلمان هستند و تحقق اهداف متعالی نظام تعلیم و تربیت با واسطه معلمان صورت می‌گیرد (مهر محمدی، ۱۳۷۹؛ نقل از آرام، ۱۳۹۰: ۷۸). امروزه در بین جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مباحث توسعه، کمتر کسی است که به اهمیت نقش معلمان و آموزش و پرورش پرداخته باشد. اغلب صاحب‌نظران و متفکران مسائل تربیتی و آموزش بر این

دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، Dr\_Bizhanzare@yahoo.com

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد پرند، ایران، m.mahmoodi423@gmail.com

دکترای جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه آزاد واحد دهقان، foroodgh@yahoo.com

کارشناسی ارشد پژوهشگری مدرس دانشگاه پیام نور

نظرند که معلمان، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل مؤثر در جریان تعلیم و تربیت هستند بنابراین بیهوده نیست که گفته شود شالوده و اساس یک سیستم آموزشی موفق را معلمان تشکیل می‌دهند. اولین قدم در جهت رسیدن به کادر آموزشی موفق، درک عواملی است که بر کیفیت فعالیت معلمان مؤثر است. یکی از این عوامل رضایت شغلی است. کسانی که رضایت داشته باشند، کار خود را بهتر انجام می‌دهند. در مشاغلی مانند شغل معلمی که فرد شاغل ارتباط تنگاتنگی با گیرندگان خدمت دارند، فشارهای زیادی به شخص ارائه‌کننده خدمت وارد می‌شود و از این رو شخص دچار تحلیل رفتگی شغلی (بی‌رمقی) می‌نماید.

بی‌رمقی نوعی از خود بیگانگی است که ناشی از عوامل استرس‌آفرینی است که خود این عوامل ریشه در ساختارهای اجتماعی جامعه و ساختارهای سازمانی مدرسه دارند و به همین دلیل، جامعه‌شناسان برای کاهش احساس بی‌رمقی، به تغییرات ساختاری و سازمانی توجه دارند (دورکین، ۱۹۹۷؛ نقل از شارع پور، ۱۳۸۶). مسلسل تحلیل رفتگی (بی‌رمقی) را دارای سه بعد فرسودگی، بی‌تفاوتی (یا بی‌شخصیتی) و احساس عدم کارایی می‌داند. فرسودگی، احساس خستگی و درماندگی شدید در اثر کار زیاد می‌باشد، بی‌تفاوتی نگرش سرد و منفعلانه به کار است، به طوری که فرد علاقه خود را نسبت به کار از دست داده و روز به روز کار برای او بی‌معنا می‌گردد. در عدم کارایی فرد احساس می‌کند که شایستگی لازم برای انجام کارهایش را نداشته و نمی‌تواند کارهای خود را در سازمان به درستی به اتمام برساند (اسچوفل و باکر، ۲۰۰۴). فشار روانی شدید ناشی از ماهیت، نوع و یا وضعیت نامناسب کار، به پیدایش حالتی در کارکنان منجر می‌شود که تحلیل رفتگی یا بی‌رمقی نامیده شده است.

بی‌علاقه بودن انسان به مسائل اجتماعی و سیاسی در قالب "درگیری روان‌شناختی" از بی‌طرفی و بی‌تفاوتی آنها در رابطه با مسائل عمومی به شکل یک درگیری اجتماعی از جمله مباحث مهمی به شمار می‌آید که در تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی (در جوامع غربی و در کشورهای در حال توسعه) مورد توجه می‌باشد اهمیت بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه به حدی در بین نظریه‌پردازان دیدگاه‌های مختلف نظری نمود پیدا کرده است که سیدنی وربا و سایر اندیشمندان این حوزه از علم چنین استدلال کرده‌اند که شکل‌گیری اجتماع و فرایندهای داده‌وستانده در ارتباط با آن در گرو وجود افرادی است که به عنوان عاملین اجتماع شناخته شده‌اند. به عبارتی این افراد با حضور در محافل اجتماعی و ابراز علاقه، انگیزه لازم را جهت توجه نمودن به مسائل مختلف اجتماعی داشته در واقع به عنوان عاملین اجتماع ظاهر شوند. همچنین مترادف با این اندیشه، آنها خاطرنشان کرده‌اند که در داخل همین اجتماع شبکه‌ای، بخشی از افراد جامعه نیز هستند که نسبت به افراد جامعه و مسائل پیرامون آن کمتر اظهار علاقه می‌کنند و با کناره‌گیری از مشارکت در مسائل عمومی، به شکل منزوی ظاهر شده و به حکم افرادی در جامعه انسانی به حیات خود تداوم می‌بخشند که با عنوان بی‌تفاوت شناخته می‌شوند (چن و زانگ، ۱۹۹۹؛ ۲۸۲-۲۸۳).

فردینبرگ (۱۳۸۰) اعتقاد دارد که تحلیل رفتگی و بی‌رمقی، کاهش یافتن انرژی است. تحلیل رفتگی، ازدگی و درماندگی در برابر تقاضایی بیش از حدی است که هم فرد ممکن است بر خود اعمال کند و هم از بیرون

1. Exhaustion
2. Cynicism
3. Inefficacy
4. Chan & zhang

## تحلیل جامعه شناختی بی رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

می تواند بر فرد اعمال شده باشد که در نتیجه انرژی فرد و سازکارهای تطابق و منابع و نیروی داخلی او را تخلیه می کند. این پدیده یک حالت احساسی است که با ازدیاد فشار به فرد دست می دهد و سرانجام انگیزه، نگرش و رفتارش را تحت تاثیر قرار می دهد (کهن دل و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۱-۷۸). فجین و همکارانش (۱۹۹۱)، به این نتیجه رسیدند که سه عامل مربوط به شرایط شغلی که بیشتر بر تحلیل رفتگی (بی رمقی) معلمان تأثیر می گذارد عبارتند از: از حقوق کم، محدودیت های بوروکراتیک و محدودیت های نقش (فجین، ۱۹۹۱: ۶۹-۷۷). طبق آنچه که ذکر شد و با توجه به اینکه معلمان یکی از اقشار مهم جامعه محسوب می شوند و از آنجا که احساس بی رمقی اجتماعی و شغلی در این قشر از جامعه میتواند پیامدهای مختلف فردی، اجتماعی، روانی و ... برای جامعه به دنبال داشته باشد، بنابراین لازم است تحلیلی جامعه شناختی نسبت به مفهوم بی رمقی معلمان در شهر یاسوج انجام شود.

پس بنابراین تشخیص میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد در یک جامعه اعم از دیگر شرایط تسهیل کننده آن جامعه موجب آسیب های جدی به جامعه می شود و باعث کندی و عدم پیشرفت در عرصه های علمی، توجه نکردن دانش آموزان به علم و ارزش های جامعه خواهد شد. محیط مدرسه و غیر مدرسه می تواند در توسعه اجتماعی و سیاسی نقش مهمی ایفا نماید و نتایج بدست آمده بیانگر این است که بدون توجه به انگیزه، علایق و گرایش اعضای یک شبکه اجتماعی در رابطه با مسائل خاص و نظرخواهی از آنها نمی توان انتظار بهبود اجتماعی را در روند اجتماعی داشت. اهمیت موضوع حاضر به اندازه ای است که: الف) بدون توجه به میزان بی تفاوتی و بی رمقی و نوع آن، توسعه اجتماعی در جامعه دچار نقصان خواهد بود. ب) مورد توجه قرار دادن افراد بی تفاوت، زمینه را برای تقویت روحیه اثربخشی در افراد و توانایی آنها برای تفکر در مورد مسائل اجتماعی و نظرخواهی در مورد آن را به وجود می آورد. پ) بی تفاوت بودن افراد نسبت به محیطی که در آن زندگی می کنند، باعث دل سردی و بی اعتنائی نسبت به کمیت و کیفیت آن به لحاظ مدیریتی، ارتباطی و ... می شود. ج) بی تفاوتی اجتماعی باعث بدبینی، بی اعتمادی و بیگانگی، احساس بی معنایی، بی قدرتی، بی هنجاری و ... می شود. موارد اشاره شده در بالا، و مطالعه بر روی موضوع مربوطه را جلوه گر ساخته و محقق و محققان را ملزم می گرداند تا فرآیند اجتماعی شدن افراد را در رابطه با مباحث اجتماعی/سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد تفحص و شناسایی مسائل مربوطه با مباحث فوق زمینه مساعد برای حضور و رفع و کناره گیری مدنی افراد جامعه را فراهم آورد. دیدگاه جامعه شناختی، منکر نقش مهم استرس در ایجاد بی رمقی نیست. اگر چه، تأکید این دیدگاه بر عوامل اجتماعی و جمعیتی و عناصر موجود در محیط مدرسه و ماهیت تربیت معلمان است. اهمیت احساس بی معنایی و بی قدرتی که در برخی از نظریات روانشناختی به آنها اشاره شده، برای جامعه شناسان به مراتب بیشتر است. این نقطه نظر، بی رمقی نوعی از خود بیگانگی است که ناشی از عوامل استرس آفرینی است که خود این عوامل ریشه در ساختار اجتماعی جامعه و ساختار سازمانی مدرسه دارند. به همین دلیل، جامعه شناسان برای کاهش احساس بی رمقی به تغییرات ساختاری و سازمانی توجه دارند (دورکین، ۱۹۹۷؛ نقل از شارع پور، ۱۳۸۶).

دیدگاه روانشناختی اساساً یک دیدگاه کلینیکی (بالینی) است و لذا در مواجهه با بی رمقی، راه حل ها بالینی را ارائه می دهد. به همین دلیل استراتژی های کاهش استرس به افراد توصیه می شود. برخی از محققان نیز بی

رمقی را ناشی از اثرات ترکیبی چند عامل نظیر: کار بیش از حد، تعارض نقش و ابهام در نقش، می‌دانند. به عنوان مثال هنی ولانگ (۱۹۸۹) معتقدند که منابع لازم برای اجرای آن وجود ندارد یا به فرد اقتدار لازم برای اجرای درخواست داده نشده، سبب بروز فشار روانی شده که این فشار روانی به نوبه خود منجر به بی رمقی می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

از جمله نظریه‌هایی که می‌توان در باب سلامت و فرسودگی ناشی از کار در نظر گرفت، نظریه "محرومیت نسبی" است. براساس این نظریه انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و وقتی احساس فقر و بی عدالتی کنند، واکنش‌های شدید عاطفی (افسردگی، تعویض شغل، کارشکنی، خودکشی و...) از خود بروز می‌دهند. احساس محرومیت نسبی حالتی است روانی و احساس کمبودی است که فرد با گروه یا فردی که برای او الگو و مرجع است بروز می‌دهد. چنانچه فرد خود را با فرد یا گروهی که دوست دارد شرایط مشابهی با وی داشته باشد مقایسه کند و به این ارزیابی ذهنی برسد که شرایط وی با مرجع مقایسه ناهماهنگ است، دچار احساس محرومیت نسبی و در نتیجه گرفتار ناکامی و سرخوردگی می‌شود (دوچ و کراوس، ۱۳۸۶: ۲۰۷). مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جودیس بلاو و پیتر بلاو (۱۹۸۲) مطرح شده است. آن‌ها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آن‌ها، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۴).

دارندورف<sup>۲</sup> معتقد است مهم‌ترین علت پیدایش احساس محرومیت در یک نظام اجتماعی این است که از نظر اعضای آن جامعه امکانات به صورت نابرابر توزیع شده باشد و نابرابری اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد (پال و کنث، ۱۳۷۷: ۶۵). به نظر دارندورف منظور نابرابری آن است که عده‌ای بیشتر از آنچه برای جامعه کار کنند، بهره می‌برند و میزان امتیازات و پاداش‌هایی که دریافت می‌کنند، بیشتر از اهمیت نقشی است که ایفا می‌نمایند، و در مقابل، عده زیادی در مقابل کاری که انجام می‌دهند، امتیاز و حقوقی کمتر از استحقاق خود کسب می‌کنند (رفیع پور، ۴۴۲: ۱۳۸۰). دارندورف قوانین را نیز چکیدهٔ هنجارها و نشانهٔ وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است و به عبارت دیگر نابرابری وجود دارد، زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم در میان افراد بشر وجود خواهد داشت» (ملک، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

گیدنز مانند وبر و مارکس به رابطهٔ نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است. گیدنز عقیده دارد که جنسیت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نابرابری است و نابرابری جنسیتی از نظر تاریخی بسیار ریشه دارتر از نظام‌های طبقاتی است (گیدنز، ۱۳۸۴). وی در بحث برابری خواهی تأکید عده‌ای بر برابری فرصت یا شایسته‌سالاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که این نوع برابری خود موجب نابرابری‌های عمیق در جامعه خواهد

1 Haney and Long  
2 -Dahrendorf.

## تحلیل جامعه شناختی بی رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

شد و به نوعی انسجام اجتماعی را نیز تهدید خواهد کرد. گیدنز با طرح این پرسش که: «برابری به چه مفهومی در نظر گرفته شود؟ سیاست نوین برابری را به عنوان «ادغام» و نابرابری را به عنوان «طرد» تعریف می کند (هادی زنور، ۱۳۸۵).

دیویس و مور با ابراز عقیده که نابرابری یک خصیصه کلی می باشد معتقدند که نابرابری یک ضرورت سازمانی است. به عقیده دیویس، نابرابری اجتماعی طرح ناگهانه ای است که به جوامع تضمین می دهد، که بهترین مشاغل توسط شایسته ترین افراد، لیکن به طور آگاهانه اشغال شود. خلاصه آن که اهمیت فونکسیونلی مشاغل در جامعه و کمیابی نسبی افراد واجد شرایط برای تصدی آن ها، عمده ترین عواملی هستند که میزان پاداش های اجتماعی را برای مشاغل و به عبارتی موقعیت های مختلف اجتماعی تعیین می کنند (ربانی، ۱۳۸۵).

ون اسنینبرگ و شیپر (۱۹۹۱) در پژوهشی با عنوان «طبقه اجتماعی و رفتار سیاسی در خلال یک دوره رکود اقتصادی: بی تفاوتی و رادیکالیسم» نیز افزایش بی تفاوتی اجتماعی در هلند سال ۱۹۸۵ را به ازای اعتراض سیاسی عظیم طبقاتی دانسته اند که به شدت از رکود اقتصادی ضربه خورده اند، به همین دلیل، الگوی را برای تبیین بی تفاوتی سیاسی در میان افراد طبقات پایین در اواسط دهه (۱۹۸۰) دارند طراحی کردند. در عین حال به طراحی یک الگوی تبیینی برای انگیزه های آنها که در خلال این دوره رکود هنوز به رفتار سیاسی متمایل بودند اقدام نموده اند. در این مطالعه، نتایج تحلیل شاخصی که نشانگر یک طبقه محروم بوده احتمال آنومی بیشتری را افزایش می داد. همچنین، آنومی موجب بی تفاوتی سیاسی بالاتری شده و از سوی دیگر این پژوهش نشان می دهد که آموزش باعث کاهش بی تفاوتی سیاسی شده است.

مارتین (۱۹۸۹) در پژوهشی سطوح بی رمقی "تحلیل رفتگی" شغلی مدیران آموزشی مدارس دولتی ایالت نیوهمپشایر را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که مدیران آموزش بی رمقی (تحلیل رفتگی) کم و متوسطی را در سه بعد تحلیل عاطفی، مسخ شخصیت و فقدان موفقیت فرد داشتند. در این پژوهش شغل مدیریت مدارس، شغلی توأم با ابهام شناخته شده بود و متغیرهای جنس، سابقه مدیریت، رضایت شغلی و عوامل سازمانی در تحلیل رفتگی (بی رمقی) شغلی مدیران تأثیر داشت. کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش با عنوان «بررسی بی تفاوتی و نعدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن» هدف کار خود را در پژوهش علی-مقایسه ای، بررسی ارتباط بی تفاوتی اجتماعی با متغیرهای همدلی، مسئولیت پذیری هزینه<sup>۰</sup> پاداش عادی قرار دادند. نتایج حاصله نشان داد در مواجهه با حالت های اضطراری ۷۵/۳ درصد از شهروندان، نعدوست و ۲۴/۷ درصد بی تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت پذیری بیشتر، و تحلیل هزینه پاداش کمتر است.

حبیب زاده (۱۳۸۴) نتایج یک پژوهش اسنادی-میدانی با عنوان "بی تفاوتی سیاسی کارگران و تأثیر آن در کاهش مشارکت سیاسی آنان در جمهوری اسلامی"، نشان داد که این بی تفاوتی در سطحی نبوده که ناامیدی کامل آنان را در پی داشته باشد و یا خود را فاقد تأثیر در حوزه های سیاسی و اجتماعی ببیند اما باعث بی تفاوتی آنان در حیات سیاسی شده است. بررسی پیشینه پژوهش یاد شده دامنه وسیعی از آراء و دیدگاه های را در بر می گیرد که از منظرهای گوناگون به مسأله بی تفاوتی پرداخته اند. از این رو، در مقیاس سازی و شاخص های

عملیاتی متغیرها، نکته‌های مفیدی را در اختیار این مطالعه قرارداد تا به اتکای آنها با دقت بیشتری عمل نمود.

مسعودنیا (۱۳۸۰) در پژوهش اسنادی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی» به کاوشی نظری در مطالعه این مفهوم پرداخته و با تعریف مفهومی بی‌تفاوتی اجتماعی، و به عوامل مؤثر بر این پدیده اجتماعی و آراء و نظریه‌های مرتبط با آن پرداخته و از تکثیر چند ملیتی آن سخن رانده است. وی بی‌تفاوتی اجتماعی را به عنوان عدم مشارکت فعال و بی‌مشارکت در فعالیتهای اجتماعی - سیاسی تعریف کرده و بیان داشته است که بی‌تفاوتی اجتماعی اگرچه پدیده‌ای جدید تلقی نمی‌شود ولی به نظر می‌رسد که با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در عصر نو، به طور چشمگیری افزایش یافته است. وی با بررسی آراء و نظریه‌های مرتبط، تبیین خاص هر یک از نظریه‌پردازان را در مورد موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی مطرح کرده است که هر کدام اشاره به متغیر ویژه در رویکرد خود داشته‌اند.

### روش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی است؛ پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف گروه مورد بررسی‌اند (نمونه) و طرح سئوالاتی که باید از آنها پرسیده شود، از این رو، این مطالعات بر نگرش‌ها، عقاید، پاره‌ای اطلاعات درباره‌ی شرایط زندگی و مقولاتی که افراد را معین و متمایز می‌گرداند (بیکر، ۱۳۸۶: ۲۴). جامعه آماری به طور کلی در مجموع از عوامل در تعریف و تعیین حدود جمعیت وارد می‌شود، مجموعه اول از مقتضیات حاکم ناشی می‌شود، زیرا پاسخگو به هر مسأله معینی انتخاب یک جمعیت مناسب به آن را ایجاب می‌کند؛ مجموعه دوم از محدودیت‌های علمی ناشی می‌شود، زیرا دامنه تحول پژوهشی متأثر از امکاناتی است که در اختیار محقق قرار می‌گیرد (سرای، ۱۳۷۲: ۱۴). جامعه آماری در این تحقیق طبق نظر آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد عبارت است از کلیه معلمان متوسطه شهر یاسوج اعم از زن و مرد که تعدادشان ۹۲۳ نفر بوده است و شامل ۴۸۱ مرد و ۴۴۲ زن است. منظور از حجم نمونه، انتخاب افرادی از جامعه‌ی اصلی است، به طوری که این افراد ویژگی‌ها و خصایص جامعه‌ی اصلی را دارند (منصور فر، ۱۳۸۵: ۲۰).

اعتبار یا روایی، مسئله‌ای عمدتاً کیفی و ارزیابی آن بسیار مشکل است، و در واقع، چگونگی حرکت محقق از تعریف نظری به تعریف عملی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از روش‌ها تعیین اعتبار محتوا، یعنی سنجش میزان اعتبار اجزای تشکیل دهنده‌ی یک ابزار اندازه‌گیری است؛ که معمولاً افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه، آن را انجام می‌دهند. از این رو، اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۷۷). در تحقیقات اجتماعی محقق به کمک یک سری از روش‌ها حدود اعتماد (پایایی) ابزارهای اندازه‌گیری را مشخص می‌کند. به این خاطر که روش آلفای کرونباخ از عمومیت بیشتری برخوردار است، در این تحقیق از این روش سودجسته‌ایم. آلفای کرونباخ به دست آمده از متغیرهای تحقیق به صورت زیر است که آلفای همه متغیرهای ترکیبی تحقیق بالای ۰/۷۰ بدست آمده است:

## تحلیل جامعه شناختی بی رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

### یافته ها

از تعداد کل ۲۷۳ نفر پاسخگویان تحقیق؛ ۱۴۷ نفر از زنان که معادل ۵۳/۸ درصد و ۱۲۶ نفر را مردان که معادل ۴۶/۲ درصد را تشکیل می دهد. از همه افراد (معلمان) مورد مطالعه، ۵۸ نفر دارای سن پایین (۲۰ تا ۳۵ ساله) که معادل ۲۱،۱۶/۲ نفر دارای سن متوسط (۳۶ تا ۵۰) که معادل ۴۲/۴ درصد و ۹۹ نفر دارای سن بالا (۵۰ به بالا) که معادل ۳۶/۲ درصد بوده اند. از مجموع آزمودنی های این پژوهش، از تعداد کل ۲۷۳ نفر پاسخگویان تحقیق؛ ۷۲ نفر فوق دیپلم که معادل ۲۶/۴ درصد، ۱۵۳ نفر لیسانس که معادل ۵۶/۰ درصد، و ۴۸ نفر فوق لیسانس به بالا که معادل ۱۷/۶ درصد بوده اند. از مجموع آزمودنی های این پژوهش، از تعداد کل ۲۷۳ نفر پاسخگویان تحقیق؛ ۱۸۳ نفر دارای منزل شخصی که معادل ۶۷/۰ درصد، ۷۴ نفر دارای منزل اجاره که معادل ۲۷/۱ درصد، ۱۶ نفر دارای منزل رهنی که معادل ۵/۹ درصد بوده اند. از مجموع آزمودنی های این پژوهش، از تعداد کل ۲۷۳ نفر پاسخگویان تحقیق؛ ۱۵۰ نفر رشته علوم انسانی که معادل ۵۴/۹ درصد، ۹۱ نفر رشته علوم پایه که معادل ۳۳/۳ درصد، ۳۲ نفر رشته های فنی و حرفه ای و کار و دانش که معادل ۱۱/۷ درصد بوده اند. ، از افراد (معلمان) مورد مطالعه، ۳۰ درصد دارای درآمد پایین (۴۰۰ تا ۹۹۹ هزار تومان)، ۴۰/۷ درصد دارای درآمد متوسط (۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۳۹۹۰۰۰)، و ۲۸/۹ درصد دارای درآمد بالا (۱۴۰۰۰۰۰ به بالا) هستند.

جدول ۱- آزمون رابطه متغیر مستقل محرومیت نسبی با متغیر وابسته بی رمقی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
محرومیت نسبی	بی رمقی معلمان	۲۷۳	۰/۶۱	۰/۰۰

چون سطح سنجش هر دو متغیر فاصله ای است از همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده می شود. با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنی داری در جدول اسپیرمن برابر با ۰/۰۰۰ و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که بین محرومیت نسبی و متغیر وابسته بی رمقی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب اسپیرمن نیز برابر با ۰/۶۱ که حاکی از رابطه متوسط رو به بالا بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن است. بنابراین هر چه محرومیت نسبی در افراد مورد مطالعه (معلمان) بیشتر شود به تبع آن بی رمقی اجتماعی افزایش می یابد.

جدول ۲- آزمون رابطه متغیر مستقل محرومیت عاطفی با متغیر وابسته بی رمقی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
محرومیت عاطفی	بی رمقی معلمان	۲۷۳	۰/۴۲۲	۰/۰۰۱

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنی داری در جدول اسپیرمن برابر با ۰/۰۰۰ و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که بین محرومیت عاطفی و بی رمقی اجتماعی معلمان رابطه معناداری وجود دارد مقدار ضریب اسپیرمن نیز برابر با ۰/۴۲۲ که حاکی از رابطه متوسط بین دو متغیر و مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم می باشد. بنابراین هر چه محرومیت عاطفی در افراد مورد مطالعه بیشتر باشد به تبع آن ، گرایش به بی رمقی اجتماعی افزایش می یابد.

## جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جدول ۳- آزمون رابطه متغیر مستقل محرومیت ادراکی با متغیر وابسته بی رمقی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
محرومیت ادراکی	بی رمقی معلمان	۲۷۳	۰/۵۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنی داری در جدول اسپیرمن برابر با ۰/۰۰۰ و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که بین محرومیت ادراکی و بی رمقی اجتماعی معلمان رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب اسپیرمن نیز برابر با ۰/۵۴۹ که حاکی از رابطه متوسط رو به بالا بین دو متغیر مثبت آن نیز حاکی از رابطه مستقیم آن هاست. بنابراین هرچه محرومیت ادراکی در افراد مورد مطالعه بیشتر باشد به تبع آن گرایش به بی رمقی اجتماعی افزایش می یابد.

جدول ۴- آزمون رابطه متغیر مستقل پایگاه اجتماعی با متغیر وابسته بی رمقی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی اقتصادی	بی رمقی معلمان	۲۷۳	۰/۰۱۷	۰/۷۷۸

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنی داری در جدول اسپیرمن برابر با ۰/۷۷۸ و این مقدار بزرگتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه فوق تأیید نمی شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و بی رمقی اجتماعی معلمان رابطه معناداری وجود ندارد مقدار ضریب اسپیرمن نیز برابر با ۰/۰۱۷ که حاکی از عدم وجود رابطه بین این دو متغیر است.

جدول ۵- میانگین بی رمقی اجتماعی بر اساس جنس

متغیر	جنس	تعداد	رده بندی میانگین ها
بی رمقی معلمان	زن	۱۴۷	۱۳۳/۴۴
	مرد	۱۲۶	۱۴۱/۱۶

همانطور که در جدول نشان داده شده است میانگین میزان بی رمقی اجتماعی معلمان زن ۱۳۳/۴۴ و میزان بی رمقی معلمان مرد ۱۴۱/۱۶ است که تفاوت خیلی زیادی از لحاظ عددی بین آنها به نظر نمی رسد.

جدول ۶- آزمون بی رمقی اجتماعی معلمان بر اساس جنس

نوع آزمون	بی رمقی معلمان
من ویتنی	۸۷۳۷/۰۰۰
ویلکاکسون	۱۹۶۱۵/۰۰۰
نمره Z	-۰/۸۰۶
سطح معنی داری	۰/۴۲



## تحلیل جامعه شناختی بی رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

بر اساس خروجی آزمون من ویتنی و سطح معنی داری به دست آمده نشان می دهد که بین معلمان بر اساس جنسیت در زمینه بی رمقی اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۷- میانگین بی رمقی اجتماعی معلمان بر اساس رشته تحصیلی معلمان

متغیر	رشته تحصیلی	تعداد	رده بندی میانگین ها
بی رمقی معلمان	علوم انسانی	۱۵۰	۱۴۳/۵۳
	علوم پایه	۹۱	۱۱۸/۴۰
	کار و دانش و فنی	۳۲	۱۵۹/۳۰
مجموع		۲۷۳	

همانطور که در جدول ۷ نشان داده شده است میانگین میزان بی رمقی اجتماعی معلمان رشته علوم انسانی ۱۴۳/۵۳ و میزان بی رمقی معلمان رشته علوم پایه ۱۱۸/۴۰ و میزان بی رمقی معلمان رشته کار و دانش و فنی ۱۵۹/۳۰ است که تفاوت معنی داری از لحاظ عددی بین آنها به نظر می رسد.

جدول ۸- آزمون بی رمقی اجتماعی معلمان بر اساس رشته تحصیلی معلمان

نوع آزمون	بی رمقی معلمان
کای اسکویئر	۸/۶۳۷
درجه آزادی	۲
سطح معنی داری	۰/۰۱۳

خروجی آزمون کروسکال والیس و سطح معنی داری به دست آمده نشان می دهد که بین معلمان بر اساس رشته های مختلف در زمینه بی رمقی اجتماعی تفاوت وجود دارد و همانطور که جدول نشان می دهد رشته های کار و دانش و فنی بیشترین میزان بی رمقی اجتماعی را نشان می دهد و بعد از آن رشته های علوم انسانی دارای بیشترین بی رمقی اجتماعی اند و کمترین میزان بی رمقی اجتماعی مربوط به رشته های علوم پایه است. احتمالاً دلیل این امر موقعیت معلمان از جهت مقبولیت، الزام دانش آموزان برای فراهم نمودن شرایط یادگیری این دروس است. برای بررسی پیش بینی متغیر میزان بی رمقی اجتماعی از روی متغیرهای بیگانگی اجتماعی، محرومیت نسبی، محرومیت عاطفی، محرومیت ادراکی و رشته تحصیلی از روش تحلیل رگرسیون خطی به روش همزمان استفاده شده است.

جدول ۹- خلاصه تحلیل رگرسیونی عوامل جامعه شناختی بی رمقی معلمان

نام متغیر	Beta	B	Sig	F	R Square	R
محرومیت نسبی و بی رمقی اجتماعی	۰/۵۱۵	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰	۶۲/۴۲۸	۰/۲۶۲	۰/۵۱۵
محرومیت ادراکی و بی رمقی اجتماعی	۰/۴۳۹	۰/۴۷۴	۰/۰۰۰	۵۹/۴۴۲	۰/۱۹۳	۰/۴۳۹
محرومیت عاطفی و بی رمقی اجتماعی	۰/۲۲۲	۰/۹۷۲	۰/۰۰۰	۴۷/۴۷۲	۰/۰۴۹	۰/۲۲۲
رشته تحصیلی و بی رمقی اجتماعی	۰/۳۴۶	۰/۸۹	۰/۰۰۰	۳۳/۲۷۸	۰/۱۲	۰/۳۴۶

در جدول فوق  $R$  ضریب همبستگی چند گانه است و مقدار آن بین صفر تا یک است. دومین چیزی که پژوهشگر باید در نظر بگیرد مربع  $R$  است که از طریق توان میزان  $R$  بدست می‌آید و مقدار تغییرپذیری را نشان می‌دهد در این جاست که پژوهشگر می‌تواند بیان کند که  $n$  مقدار یا درصدی از تغییرات در متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل مورد استفاده هستند و بقیه به عوامل دیگری بستگی دارند. همچنین، میزان  $F$  و سطح معنی داری آن با توجه به درجه آزادی بیان می‌دارد. خانه دیگری که در این جدول از اهمیت بالایی برخوردار است خانه مربوط به میزان بتا ضرایب معیار شده است. بنابراین اگر بخواهیم متغیرهای مورد نظر را هیچ‌سختی باهم ندارنداز نظر میزان تاثیر بر متغیر وابسته با هم مقایسه نماییم از ضرایب بتا استفاده می‌کنیم. بوسیله میزان ضرایب بتا می‌توان تشخیص داد کدام یک از متغیرها بیشتر یا کمتر توانسته اند متغیر وابسته را تبیین کنند.

### نتیجه‌گیری

امروزه سازمان‌ها با طیف گسترده‌ای از مسائل روبرو هستند، که آنها را در رسیدن به اهداف مورد نظرشان با چالش روبرو می‌کند. نوع برداشتی که سازمان‌ها از این مسائل داشتند، از گذشته تاکنون دستخوش تغییرات بسیاری شده است، و و مسائلی که قبلاً مورد توجه نبودند، هم اکنون در مرکز توجه قرار گرفته‌اند. یکی از این حوزه‌ها مورد توجه مسائل روانی معلمان می‌باشد؛ یکی از مهمترین مسائل این حوزه، توجه به بی‌رمقی معلمان است. زیرا صاحب‌نظران براین عقیده هستند؛ که نمی‌توان بدون داشتن نیروی انسانی فعال و آماده، چه از نظر روانی و جسمی معلمان به اهداف مورد نظر سازمان آموزش و پرورش دست یافت. به همین دلیل و در راستای توجه به ذهن و روان معلمان، توجه به کاهش بی‌رمقی شغلی معلمان می‌تواند کمک شایانی به مدیران در افزایش بهره‌وری معلمان نماید، این امر باعث شده است. این پژوهش به بی‌رمقی معلمان در سازمان آموزش و پرورش و میزان عوامل موثر بر آن صورت پذیرفته است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که بین محرومیت نسبی (عاطفی، ادراکی) و بی‌رمقی اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. حاکی از رابطه مستقیم بین آنهاست. بنابراین هر چه محرومیت نسبی (عاطفی، ادراکی) در افراد مورد مطالعه بیشتر باشد به تبع آن گرایش به بی‌رمقی اجتماعی معلمان افزایش می‌یابد. نتایج این تحقیق با تحقیق صدقاتی فرد و محسن تبریزی (۱۳۹۰)، قدیمی، مهدی و قاسمی، حامد (۱۳۹۱) همسو است. نتیجه این پژوهش با تئوری محرومیت نسبی همخوانی دارد. احساس محرومیت نسبی حالتی است روانی و احساس کمبود است که در اثر مقایسه فرد با گروه یا فردی که برای او الگو و مرجع است، بروز کند. چنانچه افراد به این پنداشت و ارزیابی ذهنی برسند که شرایط آنان نسبت به مرجع مقایسه ناهمانند است، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شوند. بزعم تیرابوسکی و ماس (۱۹۹۸: ۴۰۳؛ نقل از تبریزی: ۱۳۸۷) این نارضایتی و ناخشنودی حاصل مقایسه خود با دیگران است. و در مقابل، محرومیت نسبی ادراکی به یقین، اعتقاد، و باوری که فرد از طریق مقایسه خود با فرد یا افراد دیگر حاصل می‌شود اطلاق می‌گردد. با این وصف علت بی‌رمقی اجتماعی معلمان در این نظریه مقایسه‌ای است که آنان میان وضعیت، امکانات و مزایایی شغلی خود با

## تحلیل جامعه شناختی بی رمقی معلمان متوسطه شهر یاسوج

وضعیت، امکانات و مزایای شغلی مشاغل دیگر کارمندان بانک و شرکت نفت که از لحاظ وضعیت معیشتی مناسب تر اند انجام می دهند و براساس آن احساس بی رمقی می کنند.

بر اساس یافته‌های میانگین میزان بی رمقی اجتماعی معلمان زن ۱۳۳/۴۴ و میزان بی رمقی معلمان مرد ۱۴۱/۱۶ است که تفاوت خیلی زیادی از لحاظ عددی بین آنها به نظر نمی رسد. یافته‌های این تحقیق با نتیجه تحقیق بختیاری (۱۳۷۸) همسو و بانتيجه تحقیقات خارجی ساروس (۱۹۸۸) و مارتین (۱۹۸۹)، مستغاثی (۱۳۷۷)، مخالف است. چرا که آن‌ها در تحقیق خود به تأثیر گذاری رابطه بین دو متغیر جنس و بی رمقی اجتماعی معلمان رسیده بودند. براساس یافته‌های نشان داده شده است میانگین میزان بی رمقی اجتماعی معلمان رشته علوم انسانی ۱۴۳/۵۳ و میزان بی رمقی معلمان رشته علوم پایه ۱۱۸/۴۰ و میزان بی رمقی معلمان رشته کار و دانش و فنی ۱۵۹/۳۰ است که تفاوت معنی داری از لحاظ عددی بین آنها به نظر میرسد. رشته‌های کار و دانش و فنی بیشترین میزان بی رمقی اجتماعی را نشان می دهد و بعد از آن رشته‌های علوم انسانی دارای بیشترین بیرمقی اجتماعی اند و کمترین میزان بی رمقی اجتماعی مربوط به رشته‌های علوم پایه است. احتمالاً دلیل این امر موقعیت معلمان علوم پایه از جهت مقبولیت، الزام دانش آموزان برای فراهم نمودن شرایط یادگیری این دروس است. و موقعیت اجتماعی بهتر آن‌ها است.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می شود فعالیت‌های زیر انجام شود ۱- در رابطه با احساس محرومیت نسبی و بی رمقی اجتماعی، باید تلاش شود که از طریق توزیع عادلانه امکانات در بین معلمان و همچنین کم کردن فاصله طبقاتی، احساس محرومیت نسبی در آنان کاهش یافته و به تبع آن بی رمقی و تحلیل رفتگی معلمان کاهش پیدا کند. ۲- مسئولان آموزش و پرورش سعی کنند با ایجاد امکانات رفاهی برای خانواده‌های معلمان سعی کنند فاصله طبقاتی بین معلمان و دیگر اقشار جامعه و کارکنان دیگر ادارات را کم کرده و سعی کنند رضایت معلمان را کسب کرده و از نارضایتی آنها کاسته شود. ۳- به نظر می رسد نتایج حاصل از پژوهش می تواند تا حدودی نگران کننده باشد لذا پیشنهاد می شود با کالبد شکافی پژوهش‌های علمی در حوزه بی رمقی و تحلیل رفتگی معلمان و سپس راه کارهای مناسب به درمان منطقی پرداخت. ۴- حقوق معلمان باید در سطح بالاتری نسبت به سایر مشاغل باشد تا افراد صالح تری و زبده تری جذب حرفه معلمی شوند. ۵- با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود برای بزرگداشت روز معلم نباید به یک روز در طول سال اکتفا کرد و مسئولان آموزش و پرورش باید چند روز را به تحلیل مقام معلم اختصاص دهند و در رسانه‌های ارتباط جمعی به نشر و گسترش ارزش و مقام معلم بپردازند. ۶- احتساب سختی، حساسیت و پیچیدگی در کار در تنظیم حقوق و مزایا معلمان و توجه به نوع روابط و مناسبات شغلی معلمان با یکدیگر در محیط کار. ۷- ایجاد دوره‌های آموزشی برای معلمان به منظور آموزش و چگونگی مقابله با بی رمقی و فرسودگی شغلی و نیز آشنایی با ابعاد کیفیت زندگی (سلامت جسمانی، روانی، روابط اجتماعی، و محیط) و ارتقا بخشیدن آن‌ها در زندگی. ۷- استفاده از مشاوران و روان شناسان با تخصص‌های مرتبط در سازمان. - در نظر گرفتن نیازهای مادی معلمان نظیر: حقوق دریافتی ماهیانه، امکانات و تسهیلات رفاهی. ۸- در نظر گرفتن نیازهای غیر مادی معلمان نظیر: مورد تشویق قرار دادن کارکنان به هنگام موفقیت در کار خود، ایجاد انگیزه در معلمان مبنی بر این که شغلی که در سازمان دارند، حائز اهمیت است، به کار گیری تمام استعدادها (تجارب و تخصص) معلمان در کار و ارزش قائل شدن سازمان برای آن. - فراهم سازی تسهیلات بیشتر و شرایط بهتر برای معلمان و آموزش و

## جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

افزایش مهارت‌های شغلی معلمان. ۹- افزایش احساس رضایت اجتماعی با رفع نیازهای مادی و غیر مادی معلمان به ویژه از ناحیه دولت و فعالیت‌های اقتصادی آن و کاهش احساس محرومیت نسبی با برقراری نظام متعادلی از نابرابری اجتماعی و کاهش هرچه بیشتر تبعض‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی. ۱۰- تلاش مسئولان و متولیان آموزش و پرورش برای کاهش فقر و نابرابری اجتماعی معلمان.



منابع

- بختیاری، عاطفه. (۱۳۸۷). ارتباط عوامل انگیزشی - بهداشتی و تحلیل رفتگی شغلی کارشناسان تربیت بدنی مرد وزن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت بدنی دانشکده تهران.
- بیکرال، ترز. (۱۳۷۷). (نحوه ی انجام تحقیقات اجتماعی)، ترجمه هوشنگ نائی. تهران: انتشارات روش.
- پال، هرسی و کنت بلانچارد. (۱۳۷۷). مدیریت رفتار سازمانی، مترجم: علی علاقبند، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط انومیک [رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی]. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیب پور، کرم و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد spss در تحقیقات پیمایش، تهران: لویه متفکران.
- حبیب زاده، افشین. (۱۳۸۴-۱۳۸۵). بی تفاوتی سیاسی کارگران و تأثیر آن در کاهش مشارکت سیاسی آنان در جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، استاد: دکتر علی امینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- دواس، دی، ای. (۱۳۷۸). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نشرنی.
- دوچ مورتون، کراوس رابرت. (۱۳۸۶). نظریه ها در روانشناسی اجتماعی (مترجم، مرتضی کتبی)، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ (۱۲ آذر ۱۳۸۶).
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۶۰). کندوکاوها و پنداشت ها: مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰). توسعه و تضاد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (چاپ چهارم).
- سام آرام، عزت الله، قائم پور، محمد علی. (۱۳۹۰). سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره چهارم پاییز. صص ۷۸-۸۷.
- سرای، حسین. (۱۳۷۲). مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق، تهران: سازمان مطالعات تدوین کتب درسی (سمت)..
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۶). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت. ۵.
- صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۲). بی تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری، سبب شناسی). اصفهان: بهتا پژوهش.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۲). پرازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی ° اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss، تهران: نشر شریف
- کلانتری، صمد، ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول؛ احمدی، سیروس. (۱۳۸۶). بررسی بی تفاوتی و نودوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن. دو ماهنامه دانشگاه شاهد، سال چهارم، دوره جدید شماره ۲۲ اردیبهشت صص ۲۷-۳۶.
- کهندل، مهدی: محمدی، پرویز، سبک پرست. (۱۳۸۹). مقایسه تحلیل رفتگی شغلی در بین کارکنان ورزشکار و غیر ورزشکار، نشریه علمی پژوهشی، فصل نامه علوم ورزش، سال دوم. شماره پنجم. صص ۶۱-۷۸
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). جامعه شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نی.
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

محسنی تبریزی، درویش ملا. (۱۳۷۸). سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان (مطالعه شهر تهران)، تهران: علوم اجتماعی: مطالعات جامعه‌شناسی، پاییز-شماره ۳۴ ص ۷۳-۹۸.

محسنی تبریزی، علیرضا و صدیقه فردمجتبی. (۱۳۹۰). پژوهشی درباره ی بی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهی: شهروندان تهرانی)، سال بیست دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، پاییز ص ۱-۲۲.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۸). سنجش میزان محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان (مطالعه شهر تهران)، علوم اجتماعی: مطالعات جامعه‌شناسی، پاییز، شماره ۳۴.

مستغاثی. (۱۳۷۷). «بررسی بی‌رمقی (تحلیل رفتگی) ناشی از کار در کارکنان بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی<sup>۵</sup> سیاسی. اطلاعات اجتماعی - اقتصادی. شهریورماه. ش ۱۶۷-۱۶۸.

ملک، حسن. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، دانشگاه پیام نور.

منصور فر، کریم. (۱۳۸۵). روش‌های پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میرزایی، خلیل. (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

هادی، زنور. (۱۳۸۵). فقر و نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۷.

Chen, J & Zhong, Y (1999) Mass Political Interest (Or Apathy) in Urban China. Communist and Post- Communist Studies, Vol32

fejgin N, Ben-siva. D (1991). work environment and bourn out of physical education teacher, wingateinstitute gurnal of physical Education, pp:64-77.

Gans, H (1992) political participation and Apathy. Phylon.vol. 13..

martin, c.l, &nagaoD (1989). some behavioral consequences of computerized interriewing gurnal of Applidpsthology, 74, (1),73-80.

Schaufeli, W. B., barker, A. B. (2004). Job demands, jobredaures and their relationship with burnout and engagement: a multi samplestndy. Journal of organizational behavior, 25, 293-31

Schaufeli, W. B., barker, A. B. (2004). Job demands, jobredaures and their relationship with burnout and engagement: a multi samplestndy. Journal of organizational behavior, 25, 293-31

seeman, merten (1959); on meaning of Alination; ASR. 24, 783-791.

Van snippenburg, leob& peer skeepers (19991) social class and political behavior during aperiod of economic stagnation: Apathy and radicalism in the netherland, 1985.polilical psychology. vol 12.no10.

**sociological analysis burn-out of yasouj secondary teachers**  
(the sociological analysis of the merciless high school teachers)

Bijan Zare  
Seyed Mohammad Mahmoudi  
Frud ghaed ghivi  
Ali Hasan Tofighian Far

**Abstract**

This essay examines the sociological issues of high school teachers. The theoretical framework of the research is based on the Prydanberg, Pinz, Maslach, and Litr psychological theories on the implicit concept and the sociological theories associated with this concept. Sampling method in this research, the sampling was proportional to the volume and the data gathering tool was a questionnaire. After collecting data in the form of a questionnaire, the data are analyzed using descriptive and analytical tables using SPSS software. Based on the findings of the research, it has been shown that between independent variables (relative deprivation feeling) and field variables There is a relationship between the teacher's field of study and the uncertainty of the teachers, while there is no relation between the variables (economic, social, and gender) and the teachers' impeccability. The variables in the regression analysis have been able to explain 41 percent of the dependent variable variations, that is, social insecurity.

**Keywords:** feelings of relative deprivation, social intolerance, perceptual deprivation

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی